

زواری، ستارهٔ عصر صفوی

غلامرضا گلی زواره

در کتابخانهٔ ارزشمند حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) نسخه‌های مخطوطی از نگاشته‌ها و ترجمه‌های فخرالدین علی بن حسن زواری معروف به ملا حافظ زواری نگاهداری می‌شود که می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. تفسیر ترجمه الخواص: ش ۲۴۵۸، خط نسخ به خط علی اکبر بن حاج علی شبستری، ۲۰ ذی‌قعدة ۱۰۸۰ هجری، شامل نیمهٔ اول تا پایان سورهٔ كهف. ش ۲۷۱۴، نسخ، تحریر گردیده در ۱۰۹۳ هجری، از سورهٔ فاتحه تا آخر كهف. ش ۴۳۳۵، نسخ به خط محمد امین بن جلال‌الدین ترابی حسنی در ۱۰۴۶ هجری، از آغاز تا پایان سورهٔ كهف.

ش ۶۲۲۱، به خط نستعلیق، ۵۵۶ برگ با جلد تیماج قهوه‌ای.

ش ۶۷۴۷، نستعلیق از قرن یازدهم، شامل نیمهٔ اول تفسیر ترجمه الخواص.

۲. ترجمه المناقب (برگردان فارسی کتاب كشف الغمّة علی بن عیسی اربلی).

ش ۸۰۰، به خط نسخ صدرالدین محمد بن حامی کاشانی در چهارم جمادی الاول ۱۰۲۴.

ش ۱۰۹۸، به خط نسخ حسین بن حسن الحسینی المداح (تاریخ تحریر نامشخص).

ش ۸۱۴۲، به خط نسخ هدایة الله بن اسدالله بن سیف الله دشتی در سال ۱۰۶۶ و

۱۰۶۳ هجری.

۳. وسیلة النجاة (ترجمه‌ای از اعتقادات شیخ صدوق).
- در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره) مجموعه‌ای به ش ۳۰۴۸ نگاهداری می‌شود که دومین رساله آن وسیلة النجاة نام دارد، این مجموعه را مقصود علی بن اعزلوایروانی در سوم ذی‌قعدة ۱۰۰۶ به خط نسخ و نستعلیق تحریر نموده است.
۴. طراوة اللطائف (ترجمه فارسی الطرائف ابن طاووس).
- ش ۱۰۸۱، کتابخانه مزبور به خط نستعلیق علی بن درویش رازی، ۱۵ ربیع الثانی ۱۰۶۷.
۵. لوامع الانوار (در تاریخ ائمه).
- ش ۳۷۴، خط نسخ، کاتب نامشخص.
- ش ۴۰۰۵، نسخ قرن دوازدهم.
- ش ۴۶۰۰، نستعلیق.
- ش ۵۵۰۹، نستعلیق (عبارت‌های عربی به خط نسخ است).
- ش ۷۰۲۹، نستعلیق، برگ آغاز آن افتاده است.
۶. مجمع الهدی (قصص انبیاء).
- ش ۲۷۳۱، خط نستعلیق، عناوین شنگرف، آغاز و انجام افتاده است.
۷. خلاصة المناقب (شرحی بر قصیده بُرده).
- ش ۱۴۶۲، خط نستعلیق سلطان علی بن سلطان احمد کاشانی، در جمادی الثانی ۹۵۹.
۸. مرآة الصفا (در مناسک حج و آداب زیارت).
- ش ۴۴۳۵، به خط نسخ هدایة الله بن نور الله، غرّة جمادی ۹۵۱.
۹. مفتاح النجاح، ترجمه و نیز افزوده‌هایی بر عدة الداعی ابن فهد حلی.
- ش ۲۲۰، خط نسخ، تاریخ و نام کاتب نامشخص.
- ش ۱۲۳۱، نستعلیق، در سوم شعبان ۹۷۴.
- ش ۳۵۴۶، به خط نسخ، کاتب عبدالنبی بن حاج صدرا در ۱۹ شعبان ۱۰۶۱.
- مقاله حاضر به زندگی آموزشی، علمی و تلاش‌های فرهنگی این مؤلف و مترجم پرکار عصر صفوی پرداخته است.

شکوفایی فرهنگی عهد صفوی

یکی از شگفت‌انگیزترین مقاطع تاریخی ایران روی کار آمدن سلسله صفویه

می‌باشد. تشیع به عنوان مذهبی پر قدرت در اعماق وجود مردمان این سامان نفوذ ویژه‌ای داشت و جنبش‌هایی با چنین گرایش‌هایی علیه استبداد و تجاوز ترتیب می‌یافت. این ریشه‌های عمیق موجب گردید تا در این دوران، مذهب تشیع بطور گسترده و فراگیر رواج یابد و به عنوان آیین رسمی دربار صفویه اعلام گردد. با روی کار آمدن شاه اسماعیل صفوی در ۹۰۷ هجری، وقتی شیعه امامیه، مذهب رسمی ایران تلقی شد، به وی گفتند اکثریت مردم سنی مذهب هستند، او گفت من از کسی هراسی ندارم، خدای عالم و ائمه هدی همراه من هستند، بدین ترتیب ایرانی که قریب نهمصد سال اکثر مردمش دارای مذهب سنت و جماعت بودند، به کیش امامیه در آمدند.^(۱)

شاه اسماعیل و فرزندش برای تعلیم و نشر اصول و فروع این مذهب، نخست عالمانی را که در ایران بودند برگزید و آنان را به شهرهای گوناگون فرستاد؛ اما بر اثر کمبود دانشوران جهت تعلیم معارف اهل بیت فرمانروایان صفوی ناگزیر دست نیاز به سوی عالمان شیعی کشورهای عربی زبان گشودند، در نتیجه از آغاز تا اواخر حکومت این سلسله به تدریج گروه‌های بزرگی از این مشاهیر به ایران مهاجرت کردند.^(۲)

در کتاب گران سنگ امل الامل به قلم شیخ حرّ عاملی متجاوز از هزار و یکصد نفر از عالمان معرفی گردیده که جز چند تن معاصر ایرانی نژاد یا گروه معدودی از اعلام گذشته، همگی از جبل عامل، بحرین، احساء (غرب عربستان) و از عراق به ایران مهاجرت نموده و در این سرزمین سکونت گزیده و به تألیف و تعلیم اشتغال ورزیده‌اند. علمای مذکور در حوزه‌های گوناگون معارف دینی بر اثر حمایت فرمانروایان صفوی و گوهرافشانی‌های آنان در مدتی کوتاه نه تنها خود آثاری ارزشمند تألیف کردند بلکه علمایی جدید را پرورش دادند.^(۳)

دانشوران علوم در این عهد با کوشش فراوان و بر بنیاد همت‌های علمی محدثان، فقها و متکلمان قبلی موفق شدند؛ تدوین نهایی دانش‌های مذهبی را به انجام برسانند و

۱. تاریخ ایران زمین، محمد جواد مشکور، ص ۲۶۷؛ سازمان حکومت اداری صفویه، مینورسکی،

ترجمه مسعود رجب نیا، ص ۱۸؛ دین و دولت در عصر صفویه، مریم میر احمدی، ص ۵۲ - ۵۳.

۲. حبیب السیر، غیاث الدین خواندمیر، ۶۰۸/۴؛ روضات الجنات، ۱۹۶/۷.

۳. تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح الله صفا، ۱۲۶/۱/۵، ۱۷۱.

درباره این معارف به تحقیق و پژوهش‌هایی پرمایه روی آوردند و کتابهای موجز و مشروح در موضوعات مزبور تألیف کردند. زبان اصلی این دوره در دانش‌های دینی عربی بود و فارسی عنوان زبان درجه دوم را داشت و تقریباً تمام منابع اصلی و اساسی که مبانی فکری و اعتقادی را تشکیل داده‌اند، جز تفسیر قرآن و یا برخی کتابهای حکمت عملی و نظری که به تازی است و آنچه در این زمینه‌ها به زبان فارسی نگاشته‌اند، اگر چه کم نمی‌باشد، ولی در شمار آثار درجه دوم و سوم است، یا ترجمه‌هایی است از کتابهای اساس شیعه برای این که عموم مردم از آنها بهره‌مند شوند.^(۱)

نورالدین علی بن حسین عبدالعالی مشهور به علی بن عبدالعال و مشهور به محقق ثانی در میان این کاروان علمی و فکری فروزندگی ویژه‌ای دارد. او که دوره اصلی تحصیلات خویش را در حوزه‌های شیعی جبل عامل و تحت تاثیر مکتب فکری شهید اول (متوفای ۷۸۶ق) سپری کرده بود، پس از کسب اجازه نقل حدیث و اجتهاد از استاد بزرگ خود، علی بن هلال جزایری، در سال ۹۰۹ قمری به نجف اشرف آمد. در این زمان وی مجتهدی پرآوازه به شمار می‌آمد که شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۱۴ قمری در سفر فتح عراق وی را ملاقات کرد و از او و دیگر علما برای ترویج تشیع در ایران دعوت به عمل آورد. او که از مظلومیت و تلخکامی‌های جامعه شیعی لبنان خاطره‌ای ناگوار داشت، از این فراخوانی استقبال کرد و دو سال بعد به ایران هجرت نمود و ضمن تلاشی گسترده برای نشر مذهب شیعه و کمک به دولت شیعی صفوی، آثاری گران سنگ نگاشت و شاگردانی فاضل برای مقاصد خود پرورش داد.^(۲)

پگاه پارسی نگاری

با رسمی شدن تشیع، پیروان مذهب شیعه از اوضاع نگران‌کننده قبلی رهایی پیدا نمودند و احساس هویت کردند. معاریف شیعی که تا قبل از روی کار آمدن صفویان در حالتی از تقیه و اختفاء زندگی می‌کردند و اجازه نداشتند عقاید خویش را آشکار سازند، پس از تحمل رنج‌های فراوان، به ساحل آرامی گام نهادند و نسبت به آینده‌ای که

۱. همان، ص ۲۴۰، ۲۴۴.

۲. بحارالانوار، علامه مجلسی، ۳۱/۱۰۵؛ ریاض العلماء، میرزا عبدالله افندی، ۴۷۷/۳.

تحوّلات جدید ترسیم می نمود، امیدوار شدند.

از آن سوی شاه اسماعیل که درگذشت، فرزند یازده ساله اش، شاه طهماسب، به حکومت رسید. وی که پنجاه و چهار سال سلطنت نمود با وجود آن که در سالهای نخستین، وقت خویش را به سرکوبی شورش‌ها و عصیان‌های امیران قزلباش و دیگر آشوب‌ها گذرانید و حدود سی سال با شدت و ضعف و فراز و نشیب با عثمانی‌ها در ستیز بود، در چهارده سال اواخر حکمرانیش احساس امنیت و آرامش نمود.^(۱)

وی در این ایام بر آن شد تا خلأ فرهنگی، کلامی و فقهی را با استعانت از علمای شیعه بر طرف کند. بتدریج بین او و بزرگان علمی و فرهنگی تفاهمی بسیار عالی به عمل آمد و نیازهای چند جانبه مردم به علما و نیز نفوذ معنوی و اجتماعی این اندیشمندان را بالا برد. شاه هم برای ارتقای موقعیت آنان اهتمام ورزید. گرایش‌های مذهبی شاه طهماسب موجب گردید که بعد از قرآن کریم، روایات منقول از اهل بیت در موضوعات ضروری تدوین گردد و با تألیف و ترجمه آثاری در این خصوص، عموم مردم با فرهنگ خاندان عترت آشنا شدند. این سیاست مذهبی سبب گشت که زبان مذهبی ایران عصر صفوی را جهت تفهیم هر چه افزون‌تر عامه مردم از زبان عربی به فارسی برگرداند و بدین سان زبان مزبور از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار شد.^(۲)

این اشتیاق و روی‌کرد نتایج درخشان و با شکوهی در برداشت زیرا علوم و مبانی ارزشی شیعه که در قرون گذشته به وسیله دانشمندان و فرزاندگانی برجسته با الهام از قرآن و حدیث پایه‌گذاری شده بود، رونقی وافر و گسترشی زاید الوصف یافت. نهضت فارسی‌نگاری، ترجمه و شرح متون سودمند و راه‌گشا در این دوره پدیده نوینی بود که در هیئت یک حرکت علمی و فکری به انگیزه رواج مبانی تشیع از سوی دانشوران پی گرفته شد و همین موضوع باعث شد تا مترجمان فاضل مطالبی متقن و مستند را به زبان و بیانی ساده اما پخته و جذاب بنویسند. حاکمان صفوی نیز در رأس این نهضت قرار گرفتند و به گونه‌ای رسمی از مشاهیر شیعه خواستند تا پارسی نویسی را در عرصه‌های گوناگون علوم و عقاید شیعه با جدیت دنبال کنند. محقق کرکی با وجود آن که خود

۱. ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، عبدالحسین نوایی، ۲۰۰/۱.

۲. دین و دولت در عهد صفوی، ص ۷۶.

عرب زبان بود و آثارش را به زبان قرآن می‌نگاشت با درایت و فراست خاصی این مقصد ارزشمند را مورد توجه قرار داد و ضرورت آن را به شدت احساس کرد و سرانجام همگانی کردن آموزه‌های تشیع به عنوان استراتژی اصلی علما نمایان گردید.

روی آوردن به نگارش‌های فارسی در حالی صورت گرفت که این زبان تحت تأثیر زبان ترکی و نفوذ واژه‌های این گویش دچار دگرگونی‌هایی شده بود؛ چراکه چراغ دولت صفوی در کانون فعالیت از ترک خویی و ترکی گویی درخشنده‌گی آغاز کرد. این رابطه نزدیک میان فارسی و ترکی از جانبی و افتادن قدرت فرمانروایی در دست ترکمانان قزلباش و نفوذ شدید آنان و زبان و فرهنگشان در دستگاه سلطنت موجب آن بود که زبان ترکی همان اثر شدیدی را که از سده هفتم در زبان فارسی یافته بود، حفظ کند. به علاوه مهاجرت گروه بزرگی از عالمان عرب زبان همراه با خاندان‌های خود به ایران، تأثیر زبان تازی را بر این زبان بروز داد. البته این اثر بخشی نکته‌ای تازه نبود و همراه فتوحات مسلمانان و اسلام آوردن ایرانیان چنین پدیده‌ای آغاز شد، اما در این دوره افزایش یافت و از سوی دیگر علما اعتبار علمی آثار خود را در این می‌دیدند که به زبان اصلی، یعنی عربی، مطالبی بنگارند و در هنگام ترجمه چنین آثاری، نفوذ واژه‌های عربی به زبان پارسی دو چندان می‌گردید و در نتیجه با زبانی آمیخته به عربی نه در بکار بردن لغات بلکه حتی در جمله سازی، نوشتن در این دوره شکلی جدی یافت. چنین آمیزه‌ای حاصل قرون پیاپی و بی‌امان اثر بخشی عربی بر زبان فارسی است و نمی‌توان آن را یکجا به این دوران نسبت داد، با این تفاوت که در ادوار کهن تر چنین جوش خوردگی در زبان ادیبان و درس خوانندگان روزگار بود و زبانی که همه طبقات از آن بهره می‌بردند، این گونه نبود. در هر حال نوشته‌های فارسی که از ترکیبات زبان عربی الهام گرفته است، بیش از همه، میان عالمان مذهبی متداول بود. این گونه نگارش‌های ترجمه مانند، غالباً با نثری ساده و به شیوه خاصی که به ترجمه از عربی شباهت دارند، تألیف شده‌اند.^(۱)

یکی از مهمترین طلایه داران نهضت فارسی نویسی فخرالدین علی بن حسن زواری شاگرد برجسته محقق کرکی می‌باشد که به سفارش استاد مزبور و به فرمان شاه طهماسب دست به کار ترجمه شد و مهم‌ترین منابع مشاهیر شیعه را که از اعتبار، وثاقت

و اسناد کافی و لازم برخوردار بودند و افراد جامعه به فراگیری مضامین آنها نیاز مبرمی داشتند، به زبان فارسی برگردانید و در کنار حرکت سترک یاد شده، آثار مستقلی را در قلمرو کلام، اعتقاد و تاریخ تشیع، به فارسی نگاشت که در ذیل به معرفی وی و آثارش خواهیم پرداخت.

در محضر مفسّری گمنام

حسن زواری در محله بنجیره زواره (واقع در شمال شرقی استان اصفهان و شمال شهر اردستان) از راه شترداری روزگاری می‌گذرانید. او در ربع آخر قرن نهم هجری صاحب فرزندی گردید که به عشق مولایش امیرمؤمنان (ع)، نام علی را برایش انتخاب کرد. از آنجا که این دامدار زواره‌ای به پاکی و درستی زندگی می‌کرد و از خدایش خواسته بود تا این پسرش را در مسیر تقوا و فضیلت قرار دهد و این تقاضایش از اعماق قلبی با صفا سرچشمه می‌گرفت، دعایش اجابت گردید و علی از همان دوران صباوت به فراگیری دانش‌های دینی اشتیاق می‌ورزید و از سنین نوجوانی مقدمات معارف قرآنی و روایی را همراه با مبانی زبان و ادبیات عربی و فارسی را در مکتب خانه‌های زادگاهش آموخت و به دلیل هوش سرشارش و نیز اهتمام وافری که از خود بروز داد، در اندک مدتی این امور را با موفقیت پشت سر نهاد و خود را برای پی گرفتن سطوح بالاتر علوم اسلامی مهیا کرد.

در نیمه دوم قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری مفسّری در زواره می‌زیست و مشغول تلاش‌های تفسیری بود که نامش را برخی منابع سید غیاث الدین جمشید ذکر کرده‌اند و به سید گازر هم شهرت دارد و پاره‌ای تراجم نویسان از او به عنوان مولی جمشید آزواری و میرزا جمشید سخن گفته‌اند. این دانشور پر تلاش به دلیل دفاع و پاسبانی از مکتب تشیع و حمایت از حریم خاندان عصمت و طهارت و نشر دانش ائمه، قبل از روی کار آمدن صفویان تحت تأثیر تبلیغات و شرایط سیاسی اجتماعی که مخالفان و معاندان برایش پدیده آورده بودند به شدت در محاق اختناق به سر می‌برد و تنگناهایی فرساینده را برایش به وجود آورده بودند و چون نمی‌توانسته به صورت علنی در ترویج معارف قرآنی و حدیثی بر نهج تشیع بکوشد، در حالتی از اختفا با تشکیل جلساتی

حقایق و فضایل اهل بیت را برای شاگردانش بازگو می‌کرده است.

علی بن حسن زواری که محضر این مفسر و محدث وارسته را درک نمود و بعدها در زمره برجسته‌ترین شاگردانش به شمار آمد، در صدد گردید پس از تقریر اندیشه‌های وی با مساعد گردیدن شرایط و رفع تنگناها، این اندوخته‌های ارزشمند را در اختیار فارسی زبانان شیفته عترت نبوی قرار دهد. او در کتاب *لوامع الانوار* خود از این مدرّس نامور زواری ذکری به میان آورده و از ستم‌هایی که قبل از ظهور شاه اسماعیل بر وی وارد گردیده، سخن گفته و نوشته است: «استادم از ظهور صفویان به من خبر داد».^(۱)

در خصوص این شرایط، محیط طباطبایی نوشته است: «وجود پشت مشهد در پس باروی زواره، حکایت از وجود مجتمع و مشهدی از شیعه درون حصار می‌کند که بر اثر حمله مغولان به سبب انتشار شیعه ویران گردید و مردم آن هم پراکنده شدند. بعد از تجدید بنا و وضع اداره و تصرف، باز زواره مشهد و مجتمع شیعه‌ای بود که از تعدی جماعت همشهری خود در حال خفا و تقیه می‌زیستند. این موضوعی است که علی بن حسن مترجم و مفسر زواره‌ای در ترجمه کتاب *احسن الکبار* از قول سید غیاث الدین جمشید مفسر زواره‌ای، استاد خود، که قبل از قیام شاه اسماعیل در زواره می‌زیست نقل می‌کند».^(۲) وی در جای دیگر متذکر می‌گردد: «مردم زواره در آغاز قیام شاه اسماعیل زودتر از محال نزدیک بدانجا در اظهار تشیع همت گماشته بودند، وجود دو مفسر نامدار عالیقدر شیعه یکی غیاث الدین جمشید گازر و دیگری شاگردش علی بن حسن زواری از اهمیت نقشی حکایت می‌کند که زواره در عهد شاه اسماعیل و پسرش شاه طهماسب در نشر مذهب تشیع به عهده داشته‌اند. سید غیاث الدین که پیش از شاه اسماعیل در مضیقه مخالفان به سر می‌برده، از محنت ایام سلف برای شاگرد خود، علی مفسر، سخن گفته و نشان داده است شیعه آن عهد در نهانی به سر می‌برده‌اند».^(۳)

شیخ آقا بزرگ تهرانی تصریح می‌نماید که علی بن حسن فنون تفسیر قرآن را از غیاث الدین که

۱. *لوامع الانوار*، علی بن حسن زواری، نسخه خطی به شماره ۳۷۴، موجود در کتابخانه حضرت

آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، قم.

۲. زواره‌ای که دیده‌ام، محیط طباطبایی، *مجله باستان‌شناسی*، سال دوم، شماره اول.

۳. مقدمه دیوان مجمر، محیط طباطبایی.

خود صاحب تفسیری بوده است، آموخته است،^(۱) البته از نوشته‌های صاحب روضات بر می‌آید وی شاگردان متعددی داشته که مشهور آنان علی بن حسن زواری می‌باشد.^(۲) ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی هم بر این نکته اصرار دارد.^(۳) در برخی کتب شرح حال، غیاث الدین جمشید کاشانی، ستاره‌شناس و ریاضی‌دان معروف ایرانی را که هفتاد سال قبل از این مفسر می‌زیسته، با غیاث الدین جمشید یکی دانسته‌اند و نیز ذیل آثار این منجم اهل کاشان، تفسیرگازر را فهرست نموده‌اند.^(۴)

از موارد دیگری که مورد بحث شرح حال نگاران و فهرست نویسان قرار گرفته است، تفکیک بین مؤلف تفسیری تحت عنوان *جلاء الاذهان و جلاء الاحزان* یعنی ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی و سید غیاث الدین جمشید مؤلف تفسیرگازر می‌باشد.^(۵)

مهاجرت

علی زواری که به دلیل کسب فضل و فضایل به ملاّی الحسن، مولانا علی زواری، ملاحظاظ زواری و فخر الدین علی بن حسن معروف گشت، بعد از آن که تحصیلات خود را در معارف قرآنی و مباحث کلامی نزد غیاث الدین و سایر استادانش در زواره به پایان برد، احساس نمود حوزه زواره نمی‌تواند بیش از این تشنگی وافر را در خصوص فراگیری فرهنگ قرآن و عترت پاسخ گوید. از این رو وطن مألوف را با تمام پیوستگی‌های عاطفی که بدان داشت ترک نمود و از زواره به کاشان مهاجرت کرد. در این شهر نزد استادانی که تاریخ نویسان و تراجم نگاران نام آنها را مشخص نکرده‌اند، به تکمیل تحصیل پرداخت و در ضمن این تلاش آموزشی از طریق وعظ و خطابه به ارشاد و هدایت مردم روی آورد. او در این سخنرانی‌های تبلیغی به تشریح مقامات ملکوتی و معنوی ستارگان درخشان آسمان عترت می‌پرداخت و آموزه‌های ارزنده سید غیاث الدین را برای مستمعان باز می‌گفت. البته برخی از جماعات حاضر در جلسات تبلیغی - فرهنگی وی، این مباحث را برنمی‌تابیدند و با اکراه می‌پذیرفتند، اما چون شرایط آشفته قبلی (پیش از روی کار آمدن دولت شیعی صفویه) پایان پذیرفته بود و با

۱. الذریعة، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ۲۷۰/۴. ۲. روضات الجنات، ۳۷۶/۴.

۳. تاریخ اردستان، رفیعی مهرآبادی، ۲۷۲/۲. ۴. ریحانة الادب، مدرس تبریزی، ۱۶۵/۳.

۵. نک: مفسرین گمنام، مقاله نگارنده، آینه پژوهش، شماره ۲۳.

روی کار آمدن صفویان دفاع از ارزشهای شیعه رسمیت داشت، نتوانستند با علی بن حسن برخورد فیزیکی نمایند و احیاناً از طریق فشارهای سیاسی - اجتماعی موفق نشدند، اما وی را آماج حرکات رشک آلود خود قرار دادند و عالمی را که جز کسب فضایل و مکارم و نشر اندیشه‌های ناب آل عترت، نقل سخن اهل بیت (ع) و توضیح و تبیین احادیث، پا را فراتر نهد، متهم به صوفی‌گری و غلو نمودند و شرایط را آن‌چنان برایش تنگ نمودند که دیگر امکان اقامت در کاشان برایش باقی نماند.^(۱)

در جستجوی استادی دیگر

در همان ایامی که علی بن حسن، کاشان را ترک می‌نمود، شهر قزوین به عنوان مرکز حکومت شاه طهماسب مشخص گردید، علی بن عبدالعال کرکی یا محقق ثانی هم با حمایت عالی‌ترین مقام صفوی در تلاش بود که ریشه‌های تشیع را در اعماق وجود انسان‌ها استوار سازد و ایران را سرزمین امن برای پیروان این آیین بنماید و با شتاب بخشیدن به حرکت‌های اصیل حامیان اهل بیت، نقشی ارزشمند ایفا کند. فرمان شاه طهماسب در انتصاب محقق کرکی به عنوان شیخ الاسلام رسمی ایران، میدان کوشش‌های علمی و فرهنگی این دانشمند را بسیار گسترش داد و او بر آن شد تا از فرصت طلایی به دست آمده به بهترین نحو استفاده کند و تشیع را از غبار غربت و مظلومیت برهاند.^(۲)

علی بن حسن وقتی آوازه این فقیه و محدث لبنانی را شنید، به محضرش شتافت و در برابرش زانو زد و پس از مدتی کوتاه در زمره برجسته‌ترین شاگردانش درآمد، رابطه این دو، از حالت متداول استادی و شاگردی فراتر رفت و به صورت مرید و مرادی، خود را بروز داد. علی بن حسن نه تنها حوزه درسی این دانشور پرآوازه را مغتنم شمرد، بلکه تصمیم گرفت از خرمن اندیشه‌اش خوشه‌های زرینی فراهم آورد و این محصولات گرانبدر را در مواقع مقتضی به کار ببرد. محیط طباطبایی در این باره می‌گوید: «شیعه امامیه که پیش از صفویه کمتر مجال خدمت به این زبان و فرهنگ را یافته بود از روزگار صفویه به این

۱. پژوهش‌های محلی نگارنده و نیز مقدمه برخی آثار این مفسر.

۲. نک: مفاخر اسلام، علی دوانی، ۴/۴۴۰ به بعد.

طرف، این وظیفه را به نحو اکمل و اتم انجام داد. وقتی محقق کرکی از لبنان به ایران آمد و به کار ترویج مذهب تشیع پرداخت، علی بن حسن زواری استاد ملا فتح الله کاشانی کوشید گفته‌ها و نوشته‌های او را در همان زمان از زبان عربی به فارسی نقل و ترجمه کند.^(۱)

میرزا عبدالله افندی اصفهانی تراجم نگار عصر صفوی می‌نویسد: «زواری از محضر شیخ علی بن عبدالعال کرکی استفاده کرده و از بزرگترین شاگردانش بوده است».^(۲)

از پاره‌ای آثار و ترجمه‌های علی بن حسن بر می‌آید که مدتی در شهر هرات نیز نزد محقق کرکی به آموختن فقه و حدیث اشتغال داشته است. او در این شهر اربعین شهید اول را نزد استادش خواند و در ششم جمادی الاول سال ۹۳۹ از وی اجازه روایت گرفت. در این اجازه‌نامه، محقق ثانی، مقامات و مدارج علمی این شاگرد برجسته‌اش را ستوده و او را فردی شایسته و لایق برای ترویج و گسترش فرهنگ تشیع معرفی کرده است.^(۳)

مفسر زواری به برکت آشنایی با محقق ثانی موفق گردید با تشکیلات حکومت صفوی ارتباطی تنگاتنگ برقرار کند و از این رهگذر در نهضت علمی و فرهنگی این عصر اهتمام مهمی از خود نشان داد و به پشتوانه شرایط مطلوب پیش آمده بر حسب ضرورت‌های اجتماعی و فرهنگی به تبلیغ، تصنیف، ترجمه و نشر و آموزش معارف اهل بیت روی آورد و به انگیزه خدمت به تشیع و تأمین خوراک فکری و علمی شیعیان و حفظ میراث فرهنگی علمای شیعه و معرفی آثار دانشوران سلف به علاقه‌مندان، به دستگاه سیاسی وقت نزدیک گردید و به تقاضای شاه طهماسب آثاری را ترجمه و تالیف نمود و نیز منابعی را تلخیص کرد و احیاناً آثاری را به نام وی تألیف کرد که در آغاز اکثر نوشته‌های او، نام این حاکم عصر صفوی مشاهده می‌گردد.^(۴)

اجازه روایت از فاضل استرآبادی

از کتاب لوامع الانوار علی بن حسن زواری بر می‌آید که وی از سید عبدالوهاب

۱. تطوّر حکومت در ایران بعد از اسلام، محیط طباطبایی، ص ۴۸.

۲. ریاض العلماء، ۴۶۵/۳. الذریعة، ۳۱۵/۵.

۴. علما و مشروعیت دولت صفوی، سید محمد علی حسینی زاده، ص ۱۰۲؛ مجله حوزه، شماره

فرزند علی حسینی استرآبادی اجازه روایت دارد و نیز چنین استنباط می‌گردد که این مفسر نامدار عصر صفوی از محضر دانشمند مزبور استفاده کرده است. سید امیر عبدالوهاب فاضلی عالم و صاحب قدر و منزلت بوده و از دانشورانی است که اوایل دولت صفوی و قبل از آن را درک کرده است. خواند میر در پایان تاریخ حبیب السیر در ذیل شرح حال فرزندش امیر نظام الدین عبدالحی استرآبادی نوشته است: پدر بزرگوارش امیر عبدالوهاب در جرجان از جمله بزرگان سادات و مدتی طولانی به منصب قضا و احتساب منصوب گشت و در حل قضایای اجتماعی و انتظام امور مردم اهتمام می‌نمود. (۱) محدث قمی او را به عنوان عالمی فاضل، محقق ماهر در علوم معقول و منقول و فخر تشیع و مروّج شریعت معرفی می‌کند و پس از معرفی آثارش اضافه می‌کند: وی پدر عبدالحی استرآبادی است و جماعتی در محضرش پرورش یافتند که در زمره آنان علی بن حسن زواری را می‌توان نام برد. (۲)

میرزا عبدالله افندی در معرفی او یادآور می‌شود آثارش عبارت است از شرح فصول نصیریّه در اصول دین تألیف خواجه نصیر طوسی که در سال ۸۷۵ هجری از آن فارغ گردیده است. یکی از شاگردانش حاشیه‌ای لطیف و ارزنده بر این شرح در سال ۸۸۴ هجری نگاشته است. (۳)

شیخ حرّ عاملی در اثر معروف خود در شرح زندگی مشاهیر شیعه، امیر عبدالوهاب را فاضلی متکلم می‌داند و می‌گوید شرح فصول النصیریّه او را در علم کلام دیده‌ام. (۴) امیر عبدالوهاب بر شرح هدایه اثیریّه میرک بخاری (از علمای قرن هشتم هجری)، حاشیه نوشته و قصیده بُرده را شرح داده است. همچنین وی رساله‌ای با عنوان تنزیه الانبیاء نگاشته که در آن از اندیشه سید مرتضی ملهم بوده و گفتارش را نقل نموده است. (۵) علی بن حسن زواری که از وی اجازه نقل حدیث گرفت تحت تأثیر نوشته‌های او، آثاری را نگاشت یا ترجمه کرد.

۱. رجال کتاب حبیب السیر، عبدالحسین نوایی، ص ۲۶۱.

۲. فوائد الرضویّه، حاج شیخ عباس قمی، ص ۲۶۱.

۳. ریاض العلماء، همان، ص ۳۴۷. ۴. امل الأمل، شیخ حرّ عاملی، ۱۶۶/۲.

۵. ریاض العلماء، همان، ص ۳۴۷؛ روضات الجنات، ۱۹۲/۴، ۳۷۶.

پرورش یافته‌ای پُرمايه

در حوزه درسی این عالم مفسّر، طالبانی در کاشان، اصفهان و قزوین حضور یافته‌اند اما در میان منابعی که شرح حالش را نوشته‌اند تنها نام یک شاگرد به چشم می‌خورد و او مولا فتح الله کاشانی است. از این شخصیت در آثار رجالی به عنوان محدث کامل، عالم جلیل، مفسّر فاضل و شارح نهج البلاغه ذکری به میان آمده است.^(۱) فتح الله کاشانی در اقتفا به استاد خود، موفق گردید آثاری گران سنگ در تفسیر، حدیث و کلام اسلامی بر نهج تشیع تألیف کند. وی اثری تحت عنوان «زبدۃ التفاسیر» به زبان عربی دارد که سومین اثر تفسیری وی پس از منهج الصادقین و خلاصه‌اش یعنی کتاب خلاصه المنهج است. او این کتاب را در سال ۹۷۷ ق یعنی ده سال قبل از رحلت خویش به انجام رسانید. اگر چه فتح الله کاشانی در تألیف این تفاسیر از شیوه استادش علی بن حسن پیروی کرده و در تفسیر آیات، از روایات اهل بیت کمک می‌گیرد یا مقامات خاندان عترت را با توجه به آیاتی خاص تفسیر می‌کند، اما در طی این آثار هیچ اشاره‌ای به استاد خود نمی‌کند و گفتاری از وی نقل نمی‌نماید.^(۲)

کتاب تذکرة العارفين و تنبيه الغافلین او در ترجمه و شرح نهج البلاغه است و برخی منابع اشاره دارند که احتجاج طبرسی را هم ترجمه کرده است و نیز گفته‌اند به توصیه استادش علی بن حسن زواری کتاب مواهب علیّه ملا حسین واعظ کاشفی را شرح نمود و احادیث اهل بیت را در آن گنجانید و پس از منقح نمودن آن از روایات غیر صحیح و مباین با فرهنگ عترت، آن را منهج الصادقین نامید. دکتر سید محمد باقر حجتی عقیده دارد که فتح الله کاشانی در این تفسیر پنج جلدی از استاد خود فخرالدین زواره‌ای بهره برده و نیز در مواردی بسیار از کتاب مجمع البیان مستفیض بوده است.^(۳) چارلز امبروز استوری (متوفای سال ۱۸۸۸ م) که نسخه‌های خطی این تفاسیر را در ایران و چند کشور اسلامی دیگر شناسایی کرده است، می‌نویسد: فتح الله فرزند شکر الله شریف کاشانی شاگرد زواره‌ای می‌باشد که همان رشته ادبی استاد خود را پی گرفت و دست کم کتابی

۱. فوائد الرضویه، ص ۳۴۷، ۳۵۲.

۲. فصلنامه بینات، سال اول، شماره ۳، ص ۱۷۸.

۳. چهارده مقاله و گفتار، دکتر سید محمد باقر حجتی، ص ۲۳۴.

به دستور شاه طهماسب تألیف کرد.^(۱) این مفسر بزرگ در اواخر قرن دهم هجری و در سال ۹۸۸ ق در کاشان رحلت نمود و در این شهر دفن گردید، مقبره‌اش زیارتگاه علاقه‌مندان می‌باشد.^(۲)

در گفته‌های دیگران

اولین فردی که شرح حال و معرفی آثار علی بن حسن زواری را به رشته تحریر درآورد، میرزا عبدالله افندی اصفهانی بود که طی آن آگاهی‌های دست‌اولی را در خصوص این شخصیت درج نمود. او می‌نویسد: «ملا علی بن حسن زواری مفسر معروف به زواری فاضلی دانشمند، مفسر فقیه و محدثی معروف است». بعد به ذکر استادانش می‌پردازد و اضافه می‌کند آثار متعدد و پسندیده‌ای دارد که من اکثر آنها را دیده‌ام. سپس فهرست وار و در یک معرفی اجمالی تألیفات او را بر می‌شمارد.^(۳) وی در جای دیگری ذیل ملاحظه زواری نوشته است: «او فاضلی عالم و از بزرگان فقها و از شاگردان شیخ علی کرکی است و از علمای روزگار شاه طهماسب می‌باشد. زواری منسوب به زواره است که بین اصفهان و یزد قرار دارد و من این آبادی را دیده‌ام».^(۴)

سید محسن امین در معرفی او می‌گوید: «دانشمندی است اهل فضل و مفسری است که شاگرد محقق کرکی و استاد مولا فتح‌الله کاشانی می‌باشد و مؤلفاتی دارد». سپس دوازده اثرش را نام می‌برد.^(۵)

محدث قمی در آثار معروف خود از علی بن حسن زواری به عنوان شیخی اهل علم و معرفت، مفسری فاضل و از فضیلت امامیه نام می‌برد و آثارش را معرفی می‌کند.^(۶) میرزا محمد باقر خوانساری به درج مطالب ریاض العلماء اکتفا می‌کند و اضافه می‌نماید، این مفسر به مشرب عرفانی تمایل دارد.^(۷)

۱. ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ترجمه یو.ا. برگل، ص ۱۶۲ - ۱۶۳.

۲. درباره وی بنگرید به: اعیان الشیعة، سید محسن امین، ۳۹۲/۸؛ روضات الجنات، ۳۴۵/۵.

۳. ریاض العلماء، ۴۶۵/۳. همان، ۱۶۰/۱.

۵. اعیان الشیعة، ۱۸۶/۸.

۶. الکنی و الالقاب، محدث قمی، ۲۷۴/۲؛ فوائد الرضویة، ص ۲۷۵؛ هدیه الاحباب، همان، ص ۱۶۵.

۷. روضات الجنات، ۳۷۶/۴ - ۳۷۷.

مدرس تبریزی ضمن آن که وی را در زمرة مشاهیر قرن دهم هجری معرفی می‌کند، شانزده اثرش را فهرست کرده است.^(۱) شیخ آقا بزرگ تهرانی می‌نویسد: «علی زواری یا ابوالحسن زواری همان مفسر مشهوری است که در مطالب تفسیری از دانش استاد خود غیاث الدین جمشید استفاده کرده و در نقل روایت از امیرعبدالوهاب استرآبادی اخباری نقل کرده است».^(۲)

ملک الشعرای بهار به رواج ساده نویسی خصوص در کتب مربوط به نشر تشیع از تاریخ و کتب علمی و رواج فراوان آن در عهد صفویه اشاره دارد و پس از معرفی قاضی نور الله شوشتری و شیوة نگارش وی، می‌افزاید: «علی بن حسن زواری یکی از نویسندگان بزرگ و نامی عهد صفویه است که با وجود ساده نویسی و روانی، نثرش خالی از استحکام و قدرت نیست. زواره‌ای مردی مفسر، فقیه، محدث، فاضل و ادیب بوده و در تصانیف و تراجم مایل به عرفان است».^(۳)

سعید نفیسی در معرفی وی یادآور می‌گردد: «از دانشمندان نامی زمان شاه طهماسب اول و یکی از نخستین کسانی است که در طریقه شیعه کتابهایی به زبان فارسی تألیف کرده و یکی از پرکارترین دانشمندان زمان خود به شمار می‌رود». سپس به ذکر آثارش می‌پردازد.^(۴)

دکتر ذبیح الله صفا متذکر می‌شود: «ابوالحسن علی بن حسن زواری از عالمان بزرگ سده دهم هجری در تفسیر و حدیث و فقه و ادب است که در تألیف و ترجمه کتابهای دینی به فارسی سهم عمده‌ای دارد. وی از عالمان عهد شاه اسماعیل و پسرش شاه طهماسب است».^(۵) وی در جای دیگر خاطر نشان نموده است: محدث زواره‌ای در صدر کسانی است که در عصر صفویه تألیفات علمی و دینی متعددی به زبان فارسی فراهم آوردند.^(۶)

۱. ریحانة الادب، ۳۹۳/۲. ۲. طبقات اعلام الشيعة، ۱۵۲/۴.

۳. سبک‌شناسی، ملک الشعرای بهار، ۳۰۲/۳.

۴. تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، سعید نفیسی، ۳۷۱/۱.

۵. تاریخ ادبیات در ایران، ۱۶۲۵/۳/۵.

۶. مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر پارسی، ذبیح الله صفا، ص ۱۲۱.

محمد تقی دانش پژوه که نسخه‌های مخطوطی از آثار علی بن حسن را در فهارس خود معرفی کرده است می‌نویسد: «ابوالحسن علی بن حسن اردستانی زواری دانشمند سده دهم هجری است که بسیاری از کتابهای حدیث را به زبان پارسی درآورده و یا گزارش نموده و کتاب کشف الغمّة را هم به فارسی برگردانیده است. او از گردانندگان قرآن به پارسی و در شمار مفسّرانی چون ابوالفتوح رازی و... می‌باشد».^(۱)

فرزانه‌ای فداکار

علی بن حسن زواری در موقعیتی به عرصه‌های علمی و فکری راه یافت که نوشتن به زبان عربی، نشانه توانایی علمی مؤلف به شمار می‌رفت، همچنان که رسم همه روزگاران در حوزه‌های علمی این گونه بود و فارسی نگاری نه تنها برای دانشوران، نقطه قوتی به همراه نداشت، بلکه علامتی از کم دانشی بود. به علاوه در مقولات دینی و معرفت قرآنی و روایی روی آوردن به این تلاش بسیار دشوارتر به نظر می‌رسید؛ زیرا قرآن کریم منابع و مأخذ جاویدان و مورد قبول تمام مذاهب و فرق اسلامی به زبان عربی است و سخنان رسول اکرم (ص) و ائمه هدی (ع) نیز برای افراد عربی دان و مخاطبان عرب زبان قابل فهم و درک است و دانشمندان مایل بودند به منظور رشد و گسترش فرهنگ اسلامی با عربی نویسی خود امکان استفاده شمار افزون‌تری از مسلمانان را فراهم آورند و موقعیت علمی خود را هم حفظ کنند.

با این وجود علی بن حسن زواری احساس مسئولیت نمود و نیازهای ضروری جامعه را در نظر گرفت و با شجاعتی خاص و فداکاری فوق العاده، این شیوه را فرو نهاد و از استعجاب و احتشام علمی خود چشم پوشید و با خود چنین زمزمه کرد: «اگر چه همه این‌ها سخن درستی است، اما بندگان مؤمن فارسی زبان که علاقه دارند و مایلند نکاتی از مبانی اعتقادی مذهب خود را بدانند و با خواندن آنها زندگی فردی و اجتماعی و شیوه رفتاری خود را اصلاح نمایند، چگونه باید بر مفاهیم ارزشی آگاهی یابند؟» و بدین گونه با حفظ قداست زبان قرآن و حدیث که زبان عربی است، در ارائه مطالب کلامی،

۱. فهرست کتابخانه اهدایی سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، محمد تقی دانش پژوه،

روایی و تفسیری و تاریخی از قالب‌های شیوا و شیرین فارسی زبانان استفاده کرد. علی بن حسن زواره‌ای در ترجمه‌ها و نگاشته‌های مستقل خود، مخاطبان خویش را شیعیانی می‌داند که نسبت به مباحث دینی نا آشنا بوده یا در این خصوص اطلاعات ناقص و اندکی دارند. به همین دلیل با وجود توانایی‌های علمی و مهارت‌های کلامی و روایی، سعی می‌کند از ذکر و آوردن واژه‌های خاص علمی و فنی و تعابیر تخصصی اجتناب کند و به مباحث استدلالی و موضوعات محتاج به براهین و دلایل خرد پسند، در حدّ ضرورت اشاره می‌نماید.

او با اعتقاد به این مهم که ارائه محصولات علمای گذشته در عرصه‌های دینی و نیز برگردانیدن منابع روایی و کلامی به زبان فارسی از بهترین روش‌های اطلاع رسانی به مؤمنان است و از این رهگذر به نیازهای مهم فرهنگی و اعتقادی عصری که در آن می‌زیست، پاسخ گفت و خلأ موجود در این زمینه‌ها را در حدّ توان و تکلیفی که بردوش داشت، برطرف کرد.

ادوارد براون می‌نویسد: «ارمغان علمای شیعه در دوران صفویه همان ترویج آیین تشیع و تعمیم اخبار و احادیث در زبان رایج مردم بود. آنها می‌دانستند که برای دست یافتن به مردم باید از زبان آنان بهره گرفت و ساده نویسی نمود چرا که به همین جهت پادشاه خود را در استقبال همه مردم از تشیعی که در رواج آن کوشیده بودند، گرفتند».^(۱) براون اضافه می‌کند: «این سبک معمولاً بسیار ساده و روان و عاری از تکلف است، اما عموماً از ساختمان دستوری و اصطلاحات منابع عربی پیروی کرده‌اند و در سراسر آثار این عصر تأثیر پذیری مذکور قابل مشاهده است».^(۲)

دکتر ذبیح الله صفا نیز نوشته است: «این نوع نثر بیش از همه، میان عالمان مذهبی متداول بود و چون عهد صفویه دوره تدوین دانش‌های شرعی شیعیان است، این گونه نوشته‌های ترجمه مانند را بیشتر و تقریباً به حدّ انحصار در اثر عالمان مذهبی مشاهده می‌کنیم. در این دسته از نگارش‌ها یا ترجمه‌هایی که از متن عربی صورت گرفته، ترکیب

۱. تاریخ ادبیات در ایران از عصر صفویه تا عصر حاضر، ادوارد براون، ترجمه بهرام مقصدی،

۲. همان، ص ۳۶۵.

ص ۳۶۳ - ۳۶۴.

جمله‌ها و جای فعل و فاعل و مفعول و متعلقات آنها به صورتی است که در زبان ادبی عربی و در نثر آن مشهود است. وی در ادامه این بررسی در بین آثار مذهبی که در این دوران به رشته تألیف در آمده یا ترجمه شده، نوشته‌های علی بن حسن زواری را قابل ارزش دانسته و به معرفی برخی آثارش پرداخته است.^(۱)

اگر چه علی بن حسن غالباً به ترجمه آزاد می‌پرداخت، ولی در نقل موضوع و برگردانیدن آن به زبان فارسی، دقیقاً به متن مورد نظر وفادار بود و اگر موضوعاتی افزون بر مأخذ مورد ترجمه، به متن اضافه می‌کرد، با تعبیری چون: «مترجم» می‌گوید، یا «ناقل» می‌گوید، افزوده‌های خود را از متن اثر اصلی تفکیک می‌نمود. همچنین برای رعایت اختصار، با حذف مطالب تکراری یا نکاتی که کمتر مفید بودند و احیاناً برای فارسی زبانان چندان تأثیرگذار نبود، متن اصلی را کوتاه‌تر می‌نمود.

عرصه‌های نگارش و پژوهش

از موضوعات مهمی که علی بن حسن در ترجمه‌ها مورد توجه قرار داد، آثار کلامی بود. او به خوبی متوجه این واقعیت گشت که رمز ماندگاری تشیع به رغم عداوت مخالفان فرقه‌ای و سیاسی، بر افراشتن و استوار سازی کلام و تبیین و تدوین و گسترش مبانی اعتقاداتی تشیع می‌باشد و با این حرکت علمی و فرهنگی به اتهام‌هایی که در قرون قبل از او، علیه مذهب تشیع مطرح می‌گردید، در حدّ مسئولیت و وظایف خود، پاسخ گفت و همراه با کاروانی از دانشوران معاصر خویش، سنگ‌های اعتقادی شیعه را تقویت و حضانت نمود. همچنین برای غنی نمودن حالات معنوی مردم و کمک به آنان در تزکیه و پالایش درونی و قوی نمودن ارتباطشان با خداوند متعال و معصومین (ع) و افزایش اشتیاق نیایش‌گران و زائران به ترجمه و شرح برخی ادعیه و زیارات معتبر و مستند روی آورد.

در این میان تلاش شگرف او در پهنه بسیار گسترده و اقیانوس ژرف حدیث بسیار ستودنی است. در پرتو این اهتمام وی و اقران و معاصرانش بود که شیعیان موفق شدند از کوثر ناب خاندان عصمت و طهارت (ع) جرعه‌های جاویدی بنوشند. همچنین به

انگیزه این که آشنایی با سیره و شرح حال فرستادگان الهی و سیره ائمه هدی می تواند نقش مهمی در تربیت های معنوی و پرورش اخلاقی مردم و نیز پای بندی آنان به موازین شرع داشته باشد، فرازهایی درخشان از زندگی اهل بیت و امامزادگان (ع) را به زبان فارسی نگاشت، یا آن که آثاری در این زمینه تلخیص و ترجمه کرد. البته به هنگام خلاصه نگاری کوشید متن اصلی را از برخی امور مورد تأمل منقح نماید، یا با توضیحات کافی مطالب مبهم و دارای ابهام را روشن کند.

نقش ارزنده عالمانی چون علی بن حسن زواری وقتی مشخص می گردد که ماهیت جامعه ای را که وی در آن می زیست به خوبی مورد بررسی همه جانبه قرار دهیم. یکی از مسائل نگران کننده که هم فرمانروایان صفوی در سالهای نخستین روی کارآمدن این سلسله و نیز عامه مردم قبل از اقتدار آنان، دچارش بودند، زندگی درویشی، صوفی گری و رویکرد نشان دادن به خانقاه های اهل تصوف بود. از عوارض زیان بار این حرکت، بی اعتنایی به شرع مقدس، ترویج افکار انحرافی و سرگرم ساختن مردم به افسانه های بیهوده بود که درویشان و قصه خوانان برای مردم بیان می کردند. آنچه در برابر این وضع اسف بار می بایست انجام می گرفت، انتقال درست مفاهیم و ترویج مبانی ارزشی و اعتقاداتی در میان مردم بود. علی بن حسن زواری از طلایه داران کاروانی است که موفق گردیدند با زدودن زنگ و رنگ صوفی گری دروغین و پر آفت از جامعه، فرهنگ اصیل اسلامی را که از قرآن و حدیث و سیره انبیا و ائمه ملهم بود، در بین علاقه مندان نشر دهند.^(۱)

بنابراین فارسی نگاری این دانشور همچون چشمه ای پر بهره و با صفا بود که در کویر خشک و بی آب و علفی که گرفتار شوره زارهایی شده بود، جاری گردید و به آن سرسبزی، طراوت و پویایی بخشید. این حرکت با برکت موجب گردید تا سخن وحی و کلام گوهر افشان معصومین با زبانی عمومی در دورترین نقاط به دست مردمانی که در انتظار دست یافتن به آنها لحظه شماری می کردند، برسد و در تمام نواحی، شیعیان

۱. نک: نقش اصلاحی عالمان دینی در دوره صفویه، دکتر سید محمود مرعشی نجفی، فصلنامه میراث شهاب، شماره ۱۶، ص ۵-۶.

فرهنگ، معارف، احکام و دستورات زندگی را از این منابع به دست آوردند و به کار بندند که همین موضوع به جامعه پراکنده ایران وحدت و انسجام ویژه‌ای بخشید و زمینه‌های اقتدار سیاسی و معنوی شیعیان را فراهم ساخت.

با این تحوّل سرنوشت ساز علی بن حسن زواری و عده‌ای از معاصرانش میراث جاویدان قرآن، حدیث و متون و منابعی را که در گوشه‌های کتابخانه‌ها به فراموشی سپرده شده و به غبار غربت دچار گردیده بود، نه تنها احیا نموده و به علاقه‌مندان معرفی کردند، بلکه به زبان و نثری که برای آحاد مردم در خور استفاده بود، در سطحی وسیع عرضه کردند. تا آنجا که معارف خاندان عترت تا اعماق جامعه ایرانی نفوذ کرد و ریشه دوانید و به برکت این برنامه سازنده و مفید بسیاری از انسان‌هایی که دارای سرشتی پاک بودند، به تشیع گرایش پیدا نمودند. همچنین این فارسی‌نگاری که علی بن حسن از پیشگامان برجسته آن به شمار می‌رود، چون عالمانه، دقیق و با مقاصد پاک و خالصانه و انگیزه‌های ولایی توأم بود، زبان فارسی را از حالت محاوره‌ای و اکتفا به نگارش افسانه‌های اساطیری بیرون آورد و به حوزه‌های معرفتی و علمی کشانید و با نگارش آثار قوی و ترجمه و شرح متون اصلی و بنیادین دینی زبان فارسی آکنده از آموزه‌های دینی، دستورالعمل‌های اخلاقی، نکته‌های عبرت‌آموز و عرفانی گشت، به جاودانگی و ماندگاری ادبیات شیعه سرعت بخشیده شد و هویت فرهنگی و فکری تشیع تقویت شد.^(۱)

آثار و ترجمه‌ها

متون تفسیری

۱. تفسیر ترجمه الخواص: مشهورترین اثر ابوالحسن زواری است که به تفسیر زواری هم موسوم است. وی این اثر را در مقابل تفسیر مواهب علیّه ملاحسین واعظ کاشفی نگاشت که در تألیف آن از این کتاب بهره برده است. بدین جهت بین آن دو تفسیر قرابت‌هایی دیده می‌شود. البته وی با تفصیل بیشتری به تفسیر آیاتی که در شأن و منزلت مقام اهل بیت می‌باشد پرداخته و نیز سایر آیات را بر حسب احادیث موثق که از امامان شیعه رسیده، تفسیر کرده است. این اثر در دو جلد سامان یافته است. جلد اول از آغاز سوره

۱. نک: ماهنامه حوزه، شماره ۸۹ - ۹۰، ص ۳۹۶ - ۳۹۷.

فاتحة الكتاب تا سورة كهف، جلد دوم از سورة كهف تا پایان قرآن کریم. تفسیر مزبور از تفصیل و اطناب دور می‌باشد و تنها مباحث تفسیری سورة حمد در آن طولانی شده است که از این میزان، نیمی به تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم» اختصاص دارد.

تفسیر با این عبارت آغاز می‌شود: «بسم الله الرحمن الرحيم، حمد بی حد و شکر بلاعد منعمی را سزد که شقایق حقایق قرآنی را در حدائق صدور انسانی بشکفانید. فوایح و انوار اشجار و روایح ازهار و دقایق قرآنی به مشام جان و جنان ایشان رسانید». تفسیر با این بیت پایان می‌پذیرد:

«از فضل الله چون به اتمام رسید تاریخ وی از «فضل الله» است عیان»

که با احتساب حروف ابجد کلمه فضل الله با سال ۹۴۷ ق مساوی است.

روش کار علی بن حسن بدین صورت است که ابتدا آیات قرآن را می‌آورد و بعد ترجمه فارسی آن را. در پاره‌ای موارد برخی آیات را اختصاراً تفسیر می‌کند که غالباً به جلوه نمودن مناقب آل اطهار تأکید فراوان دارد.^(۱)

نمونه‌ای از نثر این اثر، ذیل آیه «و هو الذی جعل لکم النجوم لتهتدوا بها»^(۲) چنین است:

«... و اوست آن خداوندی که به قدرت کامله بیافرید برای شما ستاره‌ها را تا به آن راه

یابید در تاریکی‌های شب در بیابان و دریا. علامت قبله نیز از آن توان دانست و نجوم جز

این منافع دیگر است چون زینت آسمان و رمی شیاطین و غیر آن. آورده‌اند که خدای

ذکر این منفعت کرد، چه در اینجا دلیل قدرت ظاهر است، زیرا که نجوم را بر فلک دلیل

معرفتی زمین ساخت، با وجود بُعد مسافت میان آسمان و زمین بدرستی که روشن

ساختیم نشانه‌های قدرت خود را برای گروهی که بدانند نفع گرفتن خود را از آن و بر آن

استدلال کنند بر وجود قادر حکیم. نکته «انا کالشمس و علی کالقمر و مثل اهل بیتی

کالنجوم» در اینجا ظهوری تمام دارد و علی بن ابراهیم در تفسیرش گفته که مراد به نجوم

آل محمدند که خدای ایشان را رهنمای بندگان ساخت تا متمسک به ایشان شده از

تاریکی‌های شقاوت رسته و به سعادت دارین مستعد گردند».^(۳)

در سال ۱۰۶۷ ق محمود حسینی فرزند علی بن محمد موسوی به هنگام استنساخ

۱. طبقات اعلام الشیعة، ص ۵۵۰. ۲. انعام، آیه ۹۸.

۳. به نقل از نسخه خطی موجود نزد علامه حسن حسن‌زاده آملی.

این تفسیر متوجه گردید، در طی کتابت اغلاط فراوانی بدان راه یافته است، به همین دلیل به تصحیح آن همت گماشت و مضامین آن را منقح ساخت.^(۱) تفسیر مذکور برای اولین بار، در سال ۱۳۵۵ ق به سعی و اهتمام مرحوم حاج شیخ محمد حسین مولوی در حاشیه قرآن کریم چاپ گردید، اما تا آنجایی که نگارنده اطلاع دارد، هنوز این اثر به صورت مستقل و همراه با تصحیح و تعلیقات چاپ نشده است.

نسخه‌های مخطوط متعددی از این اثر در کتابخانه‌های هندوستان، لبنان، عراق، ترکیه، ایران و آسیای مرکزی نگهداری می‌شود. در کتابخانه آستان قدس رضوی نسخه‌هایی از آن به شماره‌های ۱۲۱۷، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۴۶۰، ۱۲۲۰۹ و ۱۵۱۷۲ موجود است.^(۲) همچنین پنج نسخه از مجموعه کتب خطی اهدایی مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای به این کتابخانه، اختصاص به همین تفسیر دارد. در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، کتابخانه مسجد اعظم قم، کتابخانه مدرسه فیضیه قم، کتابخانه ملی تبریز، کتابخانه مدرسه علمیه آخوند ملا علی همدانی و کتابخانه وزیری یزد نیز آثار مخطوطی از این تفسیر ضبط گردیده است.

۲. آثار الاخیار: این اثر ترجمه‌ای است از تفسیر منسوب به حضرت امام حسن عسکری (ع). مطالب این کتاب را دو تن از راویان به نام‌های ابویعقوب یوسف فرزند محمد بن زیاد و ابوالحسن علی بن محمد یسار که شیعه بوده و در مدتی که به محضر امام یازدهم تشرف یافته بودند، بر اساس بیانات تفسیری آن امام قلم‌بند نموده‌اند و در نیمه قرن چهارم هجری، محمد بن قاسم جرجانی استرآبادی، مندرجات آن را بر شیخ صدوق روایت می‌کند و آن عالم فرزانه هم در آثار گرانمایه خود بخش‌هایی از این تفسیر را می‌آورد. عالمان شیعه پس از صدوق درباره درستی مطالب این تفسیر و صحت انتساب آن به امام حسن عسکری (ع) نظرهای گوناگونی دارند.^(۳)

۱. طبقات اعلام الشیعة، ص ۵۵۰.

۲. فهرست الفبایی کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، محمد آصف فکرت، ص ۱۲۳، ۶۲۸.

۳. نک: مقاله تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)، از نگارنده، در شناخت نامه اهل بیت، ص ۳۸۲ - ۳۵۳، چاپ مجمع جهانی اهل بیت، تهران، ۱۳۸۳ ش.

فخرالدین علی بن حسن زواری این تفسیر را به فرمان شاه طهماسب از عربی به فارسی برگردانید که میرزا عبدالله افندی اصفهانی نسخه‌ای از آن را مشاهده کرده است. برخی از معاصرین آثار الاخیار را با تفسیر ترجمه الخواص این مفسر یکی گرفته‌اند، در صورتی که این دو از هم مستقل هستند.

علی بن حسن سبب ترجمه این اثر را چنین می‌نویسد: «[شاه طهماسب] اکثر اوقات خجسته غایات معروف می‌فرمایند به مباحث علوم دینی از تفسیر ملک کبیر و حدیث نبوی و کلام امامی اشارت عالی اشرف اصدار یافت که از تفسیری که اشتها یافته به تفسیر ثمره شجره پیغمبری و گلدسته ریاض حیدری و وارث علوم جعفری اعنی حضرت امام حسن عسکری (ع) این بنده کمترین علی بن حسن الزواری... بر آن نهج و ترتیب ابتدا می‌کنم به نام نامی حضرت معبود که رحمت او عام است در افاضه وجود... پس مستفید کردم به انوارین که به آثار الاخیار موسوم شده...»^(۱) نسخه‌هایی از این اثر در کتابخانه آستان قدس رضوی و مدرسه عالی شهید مطهری موجود می‌باشد.

آثار روایی

۳. روضة الابرار: زواری نهج البلاغه را به زبان فارسی ترجمه نمود و شرحی بر آن نگاشت و این اثر را روضة نامید که در برخی منابع و فهرس نسخ خطی نامش روضة الانوار ضبط گردیده است. وی در شوال سال ۹۴۷ از نگارش این کتاب فراغت یافت و آن را در دو مجلد تنظیم نمود. در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) نسخه‌ای مخطوط از آن به شماره ۱۱۸۸ نگاهداری می‌شود که آغازش چنین است: «الحمد لله علی نعمائه و الشکر علی آلائه مخفی نیست که بعد از کلام حضرت ربّ العالمین و سید المرسلین...». و کتاب با این عبارت به انجام می‌رسد: «از روی لطف و شفقت فرمایند اللهم اغفر لنا و لهم یا غافر المذنبین و یا ربّ العالمین».^(۲)

در کتابخانه آستان قدس رضوی نسخه‌ای مخطوط از این اثر می‌باشد که در تاریخ شوال ۱۰۸۳ به خط نستعلیق توسط علی بن علی شیر استنساخ شده و حاج میرزا

۱. به نقل از ابتدای کتاب آثار الاخیار، نسخه خطی موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی.

۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ۳/۳۵۷.

موسی خان آن را در سال ۱۲۶۱ ق بر این کتابخانه وقف کرده است. در اواخر این نسخه مترجم و شارح نوشته است «... و اتمام این ترجمه که به قلم اخلاص رقم پذیرفته بود، در اواخر ماه شوال ختم بالخیر و الاقبال در نهصد و چهل و هفتم از سال و الحمدلله علی الاتمام»^(۱) در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نیز نسخه‌ای از این اثر به شماره ۹۵۵۶ به خط نستعلیق دیده می‌شود.^(۲)

۴. شرح صحیفه کامله سجادیه: اثری است به زبان فارسی با توضیحات مختصر و قابل فهم برای عموم مردم که تاکنون چاپ نشده است. شیخ آقا بزرگ تهرانی و میرزا محمد باقر خوانساری این اثر را در زمره تألیفات زواری دانسته‌اند.^(۳)

۵. ترجمة المناقب: برگردانی است به فارسی از کتاب کشف الغمة فی معرفة الائمة مرحوم علی بن عیسی اربلی که علی بن حسن آن را به سال ۹۳۸ ق به نام امیر قوام الدین محمد نوشته است. میرزا عبدالله افندی اصفهانی می‌گوید: «این ترجمه را که برگردان خوبی است، من در شهر اصفهان، استرآباد و دیگر شهرها دیده‌ام».^(۴)

در برخی فهرس ذیل کتاب محراب القلوب توضیح داده‌اند، ترجمه‌ای از کتاب کشف الغمة است به قلم علی بن فیض اربلی، در حالی که در مدارک موجود کتابی به نام محراب القلوب نداریم، عده‌ای نیز تصور کرده‌اند ترجمه المناقب برگردان مناقب ابن شهر آشوب سروی مازندرانی است که این هم خطای دیگری می‌باشد.

ترجمة المناقب با این جملات آغاز می‌شود: «... حمد بلاحدّ و احصاء و سپاس بلاعدّ و انتها معبودی را رواست که اساس قوایم قوام دین و بنای دعایم نهج مستقیم را به وسائط انبیاء و ائمه هدی استوار ساخت» مترجم روش کار و سبک ترجمه را چنین معرفی کرده است:

«... اما ترتیب آن [یعنی کتاب کشف الغمة] به لغات فصیحة عربی فرموده و مطالعه آن بر فارسی زبانان مشکل نموده، بنابراین بنده داعی علی بن حسن الزواری - غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه - بر وجه اختصار به حذف بعضی از تکرار تا بر فایده آن هر طالب

۱. روضة الابرار، علی بن حسن زواری، نسخه خطی آستان قدس رضوی، برگ آخر.

۲. فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۷.

۳. الذریعة، ج ۱۳؛ روضات الجنات، ۳۵۹/۲. ۴. ریاض العلماء، ۴۶۶/۳.

محفوظ تواند شد و شروع در این امر نمود به عون ملک معبود و این کتاب را بر نهج اصل ترتیب داد و ترجمه المناقب نام نهاد».

نسخه‌های مخطوط متعددی از این اثر در کتابخانه آستان قدس رضوی، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، کتابخانه دانشگاه تهران، کتابخانه ملی، کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری، آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی، کتابخانه ملی تبریز، مسجد جامع کبیر یزد و کتابخانه شهرداری اصفهان وجود دارد. در کتابخانه‌های معتبر پاکستان، هندوستان، بریتانیا و هلند نیز نسخی از آن نگاهداری می‌شود.

ترجمه المناقب با تصحیح سید ابراهیم میانجی و مقدمه آیت الله ابوالحسن شعرانی در سه مجلد، از سوی نشر ادب الحوزة و کتابفروشی اسلامیة، در سال ۱۳۸۱ ق در تهران به زیور طبع آراسته گردید.

۶. کشف الاحتجاج: علی زواری کتاب احتجاج طبرسی را به نام شاه طهماسب به فارسی ترجمه کرد و آن را کشف الاحتجاج نامید. نسخه‌ای از آن در کتابخانه مسجد جامع گوهرشاد به شماره ۱۷۷ نگاهداری می‌شود که دکتر محمود فاضل بیرجندی بر اساس این نسخه، خاطر نشان می‌نماید کتاب مزبور از علی بن حسن زواری است. بنابراین ادعای مدرس تبریزی که این کتاب را از ملا فتح الله کاشانی می‌داند درست نمی‌باشد.^(۱) در کتابخانه آستان قدس رضوی نسخی از این اثر دیده می‌شود که نسخه شماره ۱۴۴۷۵ را که به وسیله محمد کاظم حسینی، در رمضان ۱۲۵۸، نوشته شده است، نگارنده ملاحظه کرده است.

۷. چهل حدیث: علی بن حسن زواری بعد از آن که کتاب اربعین شهید اول را در شهر هرات نزد استادش محقق کرکی آموخت در ۱۹ ذیقعدة سال ۹۴۳ از ترجمه آن فراغت یافت.

شیخ آقا بزرگ تهرانی نسخه‌ای از آن را در کتابخانه سید نصر الله تقوی در تهران دیده که تاریخ تحریر آن شانزدهم محرم ۹۸۰ می‌باشد و به تاریخ ترجمه بسیار نزدیک است.^(۲)

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد جامع گوهر شاد، محمود فاضل، ۱۵۰/۱ - ۱۵۱.

۲. الذریعة، ۳۱۵/۵.

مباحث کلامی

۸. وسیلة النجاة: این کتاب ترجمه‌ای است تحت اللفظی از کتاب اعتقادات شیخ صدوق که مترجم به خواهش برخی از برادران دینی انجام داده است. صاحب ریاض نسخه‌ای از آن را در آمل و برخی شهرهای دیگر مشاهده کرده و شیخ آقا بزرگ تهرانی هم اثر مخطوطی از این ترجمه را نزد جلال الدین محدث ارموی دیده است.^(۱) در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) نسخه‌ای از آن نگاهداری می‌شود.
۹. طراوة اللطائف: که ترجمه فارسی کتاب «الطرائف فی معرفة المذاهب» رضی الدین علی بن طاووس (متوفای ۶۶۴ ق) می‌باشد. مترجم این نوشتار را در ششم رجب سال ۹۶۱ به پایان رسانیده است. نسخه‌ای از آن به شماره ۱۰۸۱ و خط نستعلیق علی بن درویش رازی، تحریر شده در سال ۱۰۶۷ قمری، در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) موجود است.^(۲)

تاریخ و سیره

۱۰. لوامع الانوار: محمد بن ابی زید بن عرب شاه ابن ابی زید حسینی علوی ورامینی در سال ۷۳۹ قمری در فیروزان کتابی تحت عنوان «احسن الکبار فی معرفة الائمة الاطهار» در ۷۸ باب و در سرگذشت پیشوایان شیعی با نثری سودمند نگاشت.^(۳) فخرالدین علی بن حسن زواری از این کتاب خلاصه‌ای تهیه کرد و ضمن تلخیص، آن را از روایات نادرست و نقل‌های سست منقح ساخت و نیز نکاتی به آن اضافه کرد و با مقدمه‌ای در اصول اعتقادات پنجگانه و چهارده باب در احوال چهارده معصوم (ع) و نیز خاتمه‌ای در شرح حال ابی طالب و محمد بن ابی بکر آن را تنظیم و تبویب نمود. این خلاصه نگاری را وی در سال ۹۶۸ قمری و به دستور شاه طهماسب صفوی به انجام رسانید و آن را لوامع الانوار فی معرفة الائمة الاطهار نامید که در برخی فهرس «لوامع

۱. همان، ۸۸/۲۵.

۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ۲۶۱/۳؛ نیز بنگرید: الذریعة، ۱۵۹/۱۵.

۳. مقاله چهار کتاب ارزنده شیعی، محمد تقی دانش پژوه، راهنمای کتاب، سال ۱۷، شماره ۱۰ و ۱۱ و ۱۲، دی و بهمن و اسفند ۱۳۵۴، ص ۷۰۶ - ۷۰۷.

الانوار فی تلخیص احسن الکبار» ضبط گردیده است.^(۱) صاحب ریاض العلماء نوشته است: این کتاب هم اکنون (زمان وی که قرن یازدهم بوده است) در اختیار همگان می باشد و نسخه ای از آن نزد ما موجود است.^(۲) در کتابخانه آستان قدس رضوی نسخه ای مخطوط از این اثر به شماره ۸۳۳۱ نگاهداری می گردد که به خط نستعلیق نگاشته شده و کتاب شناسان احتمال داده اند، خود علی بن حسن زواری آن را تحریر نموده است.^(۳)

همچنین نسخه ای که به شماره ۳۴۹، در سال ۱۰۸۶ قمری تحریر گشته به وسیله مقام معظم رهبری به این کتابخانه اهدا گردیده که نگارنده آن را ملاحظه کرده است. در کتابخانه های مدرسه نواب مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی این شهر، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) و کتابخانه آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه قم نیز نسخه های متعددی از این اثر مضبوط است.

۱۱. عمدة الطالب فی ترجمة المناقب: ترجمه ای روان و شیوا از کتاب مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول کمال الدین محمد بن طلحة شافعی (متوفای ۶۵۲ ق) می باشد شیخ آقا بزرگ تهرانی نسخه ای مخطوط از آن را نزد محدث ارموی، ساکن تهران ملاحظه کرده است.^(۴)

۱۲. خلاصة الروضة: خلاصه ای است از کتاب روضة الشهداء، تألیف ملاحسین واعظ کاشفی سبزواری. شیخ آقا بزرگ تهرانی می گوید: «نسخه ای از آن را در مشهد مقدس، نزد شیخ علی اکبر کرمانی مؤلف کتاب «نفایس اللباب» دیدم که پدید آور در آغاز آن نام خود را نوشته بود که در ده باب و نیز خاتمه ای در هفت فصل در تاریخ ائمه ای که از نسل امام حسین (ع) هستند، مرتب گردیده است.»^(۵)

۱۳. مجمع الهدی (قصص الانبیاء): این کتاب را ابوالحسن علی بن حسن زواری در شرح زندگانی رسول اکرم (ص) و امامان شیعه در چهل باب تألیف کرده و در اکثر مباحث آن به آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت نظر داشته است.^(۶) میرزا عبدالله

۱. یادداشت های محمد حسن رجایی زفره ای. ۲. ریاض العلماء، ۴۶۶/۳.

۳. فهرست الفبایی کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، ص ۴۸۶.

۴. الذریعة، ۳۴۰/۱۵.

۵. همان، ۲۲۷/۷.

۶. همان، ۴۳۲/۳.

اصفهانى، تراجم نويس عصر صفوى، در معرفى اين اثر نوشته است: «مجمع الهدى از تحقيقات شايسته‌اى برخوردار مى‌باشد، اين اثر كتاب بزرگى است كه من آن را در تبريز و اردبيل ديده‌ام».^(۱) در كتابخانه آيت الله العظمى مرعشى نجفى (ره) نسخه‌اى خطى از اين اثر به شماره ۲۷۳۱ موجود است.^(۲)

نوشته‌هاى ادبى

۱۴. حلیة الموحدين: كتاب مزبور ترجمه روضة الواعظين و بصيرة المتعظين علامة شهيد محمد بن قتال نيشابورى (شهيد ۵۰۸ ق) مى‌باشد. در اين اثر على بن حسن زوارى ترجمه منظوم قصيده تائيه دعبل خزائى را آورده است كه اضافاتى هم در تاريخ و سيرة اهل بيت دارد. نسخه‌اى خطى از آن در كتابخانه مجلس شورى اسلامى مى‌باشد.^(۳)

۱۵. خلاصة المناقب: شرحى است بر قصيده ميميه شرف الدين بوسيرى (متوفى ۶۹۴ ق) كه در مدح حضرت رسول اكرم (ص) سروده شده است و به قصيده برده و نيز الكواكب الدرية فى مدح خير البرية موسوم مى‌باشد. شارح به شرح ۱۶۱ بيت اين قصيده پرداخته و در ابتداى هر شرح معانى بعضى لغات هر قصيده را بيان مى‌كند. سپس شروع به تجزيه و تركيب با عنوان «اعراب و حاصل المعنى» نموده و از آن پس معنای فارسى شعر را با زبانی ساده و نثری شیوا بیان می‌کند، کتاب حاضر در ده فصل تبویب یافته است.^(۴) در کتابخانه‌هاى آيت الله العظمى مرعشى نجفى (ره)، آيت الله گلپايگانى، كتابخانه عمومى آيت الله فاضل خوانسارى (در خوانسار) نسخه‌هاى مخطوطى از اين اثر نگاهدارى مى‌شود. اين اثر با تحقيق و تعليقات آقاى سيد حميد مهرى خوانسارى در سال ۱۳۸۳ شمسى، به وسيله مجمع ذخائر اسلامى چاپ شده است.

۱۶. فرائد الفوائد: رساله‌اى است در علم تجويد كه ملا على زوارى در اواخر ذبحجه

۱. رياض العلماء، ۴۶۶/۳.

۲. فهرست نسخه‌هاى خطى كتابخانه آيت الله العظمى مرعشى نجفى (ره)، ۲۹۲/۷.

۳. فهرست كتابخانه مجلس شورى اسلامى، عبدالحسين حائرى، ۱۳/۲۲؛ يادداشت‌هاى فاضل گرانمايه جناب آقاى مرتضى شفيعى اردستانى.

۴. كشف الظنون، حاجى خليفه، ۱۳۳۱/۲ - ۱۳۳۲، معجم المطبوعات العربية و المعربة، ۶۰۴/۱.

سال ۹۵۴ آن را به پایان رسانیده است و به نظر می‌رسد علی بن حسن در تألیف این اثر از مقدمه الجزریه در علم تجوید که منظومه شیخ محمد بن جزری (متوفای ۸۳۳ ق) می‌باشد، بهره برده است. نسخه‌ای ارزشمند از این رساله موجز در مجموعه شماره ۳۸۱ کتابخانه آیت الله گلپایگانی، نگاهداری می‌شود.

اخلاق

۱۷. مکارم الکرائم: مرحوم طبرسی کتابی تحت عنوان مکارم الاخلاق دارد که ملاً علی زواری آن را ترجمه کرده و این عنوان را برایش برگزیده است. او دلیل ترجمه آن را چنین می‌نویسد: «شیخ العالم الفاضل... ابونصر الحسن بن علی دانشمند الفضل الطبرسی کتابی تألیف فرموده در اخلاق [که] اشتها تمام دارد. به جهت عموم فایده العبد الفقیر الی الله الباری علی بن حسن الزواری... با وجود کثرت غموم متصدی ترجمه آن شد که اتسام یافته به مکارم الکرائم. امید که اتمام یابد و فایده گیرند از آن تا زمان [ظهور] حضرت قائم...».

این اثر همچون اصل آن در دوازده فصل ترتیب یافته است. نسخه‌های خطی متعددی از آن در کتابخانه آستان قدس رضوی، مسجد گوهرشاد و نیز در کتابخانه‌های هندوستان و روسیه نگاهداری می‌شود.^(۱)

مکارم الکرائم به کوشش حاج سید سعید طباطبایی نائینی، در سال ۱۳۲۷ قمری در تهران به طبع رسیده است.

اعمال عبادی، ادعیه و زیارات

۱۸. مرآة الصفا: رساله‌ای است به زبان فارسی در مناسک حج، اعمال عبادی مکه و مدینه و نیز آداب زیارت ائمه بقیع، نجف اشرف و کربلا. مناسک آن در پنج فصل تنظیم شده و زیارات که در چهارده مطلب سامان داده شده، خاتمه این اثر را در برمی‌گیرد. در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) نسخه‌ای خطی از آن به شماره ۴۴۳۵ وجود دارد که در زمان حیات مؤلف به وسیله هدایه الله ابن نورالله در غرة جمادی الاول سال ۹۵۱ به خط نسخ، تحریر گردیده است.^(۲) در کتابخانه مجلس شورای

۱. به نقل از نسخه خطی شماره ۳۵۷۶ (کتابت ۱۰۷۰ ق) کتابخانه آستان قدس رضوی.

۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ۳۰/۱۲.

اسلامی نیز نسخه‌ای از آن موجود است.^(۱)

۱۹. مفتاح النجاح: ترجمه تحت اللفظی کتاب عدة الداعی و نجاح الساعی ابن فهد حلی (متوفای ۸۴۱ ق) می‌باشد که ترتیب اصل در ترجمه مراعات شده و شامل یک مقدمه، شش باب و یک خاتمه است.

در کتابخانه‌های آستان قدس رضوی، آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) و دانشگاه تهران (مجموعه اهدایی سید محمد مشکات) نسخه‌های خطی این اثر نگاهداری می‌شود.

۲۰. تحفة الدعوات: رساله‌ای است در ادعیه اوقات سال به زبان فارسی که صاحب کتاب ریاض العلماء نسخه‌ای از آن را در شهر اردبیل مشاهده کرده است،^(۲) شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز آن را معرفی نموده است.^(۳)

۲۱. ترجمة الجعفرية: رساله‌ای است در طهارت و آداب نماز که زواری آن را در یک مقدمه، چهار باب و یک خاتمه تدوین کرده است. در کتابخانه وزیر یزد در مجموعه‌ای به شماره ۲۲۸۴، رساله مذکور مضبوط است.^(۴)

۲۲. کتاب المزار: اثری است در زیارت ائمه هدی و اولاد آن بزرگواران که حاج مولی علی اصغر قزوینی در جلد اول کتاب المزار خود موسوم به المقال مطالبی از آن نقل کرده است.^(۵)

۲۳. نشر الامان فی الاسفار و الاوطان: ترجمه‌ای از کتاب الامان الاخطار سید بن طاووس است که در خصوص آداب مسافرت و ادعیه مربوط به آن، در سیزده فصل تدوین یافته و نسخه‌ای از آن در کتابخانه ملک تهران نگاهداری می‌شود.^(۶)

رحلت

از زمان رحلت این مفسر و محدث آگاهی دقیقی به دست نیامد، ولی در سال ۹۶۱ قمری در قید حیات بوده و بعد از این تاریخ آثاری ننوشته است. گروهی تاریخ وفات

۱. به شماره ۱۲۳۵۸ (تحریر ۱۰۶۰ ق) به وسیله مراد علی بیک.

۲. ریاض العلماء، ۳/۴۶۶. ۳. الذریعة، ۳/۴۳۲.

۴. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه وزیر یزد، ۴/۱۲۳۲.

۵. الذریعة، ۴/۳۱۹. ۶. فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملک، ۵/۲۰۵.

شاگردش ملا فتح الله کاشانی را به عنوان زمان رحلت وی ذکر کرده‌اند که درست نمی‌باشد. از محل دفن این دانشمند هم تاکنون اطلاعاتی به دست نیامده است. او فرزندی به نام حسن داشته است و طایفهٔ منسوب به وی در زواره، نام «حقیری» را برای خود برگزیده‌اند، ملا عباس جعفر (عموی جدّ مادری نگارنده) که انسانی خوش نفس و تعزیه خوان و خوش صدا بوده، از احفاد اوست. شاعر مرثیه سرای معاصر زواره‌ای مرحوم حاج محمد حقیری (متوفای ۱۳۷۶ش) که دو فرزندش به نامهای عباس و مهدی حقیری، در جبههٔ جنگ علیه بعثی‌ها شهید شده‌اند، از نسل اویند.